بسمه تعالی

طرح مستند

**اوخشاما**

[داستان دلدادگی مادر پیری از عشایردر دورافتاده ترین نقطه صفر مرزی به ایثار و فداکاری سردار شهیدحاج قاسم سلیمانی]

نویسنده:

عدالت فرزانه

مقدمه:

تببین و معرفی اهداف و جنبه های مختلف جبهه مقاومت که همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است از مهمترین وظایف و مسئولیت های رسانه ملی به شمار می رود ، از این رو مستند سرباز سردار حاج قاسم سلیمانی در جبهه مقاومت، به عشق پاک وساده یکی از مادران عشایر به سرباز سرافراز این آب وخاک حاج قاسم سلیمانی که بصورت خودجوش و عاری از هرگونه تاثیرات تبلیغاتی است پرداخته و از تاثیر گذاری وتعمیق بخشی فداکاری های این سردار سرافراز به دلهای پاک وبی آلایش عشایر غیور کشور حکایت می کند

با توجه به نظرات و پیشنهادات کارشناسان در جلسه طرح وبرنامه پیشین ، سعی شده پای حرفهای جالب و شنیدنی پیرزن عشایری که در دورافتاده ترین نقطه مرزی زندگی سر می کند نشسته و از احساسات پاک و بی آلایش اورا نسبت به خبر شهادت فرزند رشید این خاک حاج قاسم سلیمانی جویا شویم .

**موضوع:**

مادر پیری با شنیدن شهادت حاج قاسم سلیمانی به سمت عکس این سردار با واگویه های عاشقانه ای که در میان ایلات شاهسون و منطقه آذربایجان با عنوان اوخشامالار متداول است دست از پانشناخته و صادقانه عکس سردار را به آغوش کشیده ومادرانه برایش لالایی شهادت به زبان شیرین آذری در قالب اوخشامالار می خواند.

وقتی این تصویر تکان دهنده در فضای مجازی دست به دست چرخید چنان تاثیری در دلها گذاشت که لحظه به لحظه به انتشار این تصویر در دنیای مجازی افزوده می شد تا جائی که خبرنگاران بخش خبر شبکه استانی و روزنامه نگاران سراغ این دلداده بی آلایش رفتند و از احساسات پاک او پرسیدند و صحبت های عاشقانه او که درخبر پخش شد عمق احساساتش را بر دلها افزود تا جائی که اصحاب رسانه تصمیم به وصال این مادر به خیل تشییع کنندگان این سرباز وطن گرفتند .

اورا از ایل شاهسون یعنی شهر مرزی پارس آباد برداشتند و به کرمان ، محل تشییع جنازه این سردار بردند تا جوابی باشد بر این عشق بی پیرایه که از عمق جان بی آلایشش چشمه گرفته بود .

تصاویری که ازاین مادر دلداده طول مسیر طولانی پارس آباد تا کرمان که هزاران کیلومتر است توسط هنرمندان واصحاب رسانه به تصویر کشیده شده که پلان به پلان آن تابلوی زیبایی از عشق مادران این سرزمین به فرزندان فداکار این سرزمین است.

از لحظه های انتظار وبی تابی مادر عشایر در طول مسیر گرفته تا لحظه های اوج داستان یعنی پیوستن این مادر و زائر پیر به خیل عظیم تششیع کنندگان شهید جبهه مقاومت اشک ازچشم هر بیننده در می آورد .

واگویه های دردناک این مادر عشایر به زبان آذری که در منطقه آذربایجان به آن اوخشامالار اطلاق می شود به قدری احساس برانگیز است که به ندرت کسی بتواند در شنیدن این تصاویر حاکی از صداقت روستایی بدون احساس بنشیند.

**ایده:**

ما می خواهیم عشق یک سرباز شهید که با ایثار خون وجان فشانی های خود در جبهه مقاومت به آوازه جهانی رسیده است را در دل یک پیرزن عشایر که در دور افتاده ترین نقطه از شهر مرزی کشور به تصویر بکشانیم که به دور از هرگونه تبلیغات و تاثیرات پیرامون از شهادت این سردار دلش سوخته و چنین مادرانه به سوگ فرزند معنوی اش ساده وروستایی اشک از چشمانش بیرون می ریزد و لالای شهادت در قالب اوخشاما در سوگ این سردار سرافراز می خواند.

**ساختار**

فیلم با تصویری از قاب عکس شهیدی که دست پیرزنی پارچه ترمه دوزی شده را از روی آن برمی دارد آغاز می شود.

در نمای داخلی اوبا پیرزنی را می بینیم که با انداختن پارچه درب اوبا نور خورشید صبحگاهی می تابد و پیرزن با برداشتن جارو از کنار رادیوی باطری دار که با فشردن دگمه روشن رادیو بهانه ای برای موسیقی صبحگاهی برای ما می شود .

درنمای بیرونی اوبا ، پیرزن با جارو کردن جلوی اوبا شاهد ،کمک کودکان به شیردوشی مادر از بزغاله ها و بردن گوسفندان به آغل و بافتن قالی و نظافت آلاچیق ،پخت پز و کارهای روزمره ای که عشایر انجام می دهند هستیم که ناگهان با شنیدن خبر شهادت فرزند رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی از رادیو فرزندان پیرزن به داخل اوبا می دوند .. پیرزن نیز نگران از وضعیت پیش آمده به داخل اوبا می رود که توسط فرزندانش از شهادت این سرباز اسلام آشفته ودست از پا نشناخته و به سمت شهر می شتابد . در اینجا پای صحبت پیرزن وشوهرش می نشینیم .

با استفاده از تصاویر آرشیوی ، تصویر پیرزن را که توسط تلفن همراه گرفته شده شاهد ارادت این مادر پیر نسبت به تمثال سردار شهید اسلام هستیم و موازی با این تصاویر به گفتگو با پیرزن و احساسی که با دیدن عکس این سردار شهید به او دست داد را می شنویم در عین حال که شاهد انتشار این تصویر در فضای مجازی هستیم پای درد دل پیرزن عشایر می نشینیم و با اولین اوخشامایی که توسط پیرزن می شنویم و واگویه هایش باب فتحی می شود به اوخشامالاری که توسط مادران آذری برای فرزندان شهیدشان خوانده می شود می پردازیم .

در تصاویری که موازی با اوخشامالار پیرزن عشایر به آنها می رسیم به سفر این پیرزن با اکیپ فیلمبرداری که برای تشییع جنازه این سردار شهید وطن به کرمان داشته اند و انتظارهای او در راه و اوخشاماهایی که طی مسیر زیر لب داشت می پرسیم .. توضیحات همزمان پیرزن از ازاین سفر و توضیحات خبرنگار از نحوه تصویربرداری وتهیه مستند خبری از این اتفاق و درعین حال که تصاویر آرشیوی این موضوع را از سفر مادرانه او از عشایر پارس آباد تا کرمان محل تشییع جنازه این سردار رشید اسلام شاهد خواهیم بود

ضمن نشان دادن تصاویر سفر او گفتار روی متن این مادر پیر را خواهیم داشت و توضیحات بیشتراز حال وهوایش دراین سفر را خواهیم شنید و گاها به زمان حال و گفته های احساسی او برخواهیم گشت

با نشان دادن فیلم این سفر به خود پیرزن از احساسات او خواهیم شنید و توضیحات بیشتر نسبت به عشقی که در دل او جوانه زده است

تصاویر تشییع جنازه پاک این شهید و حضور مادرانه این پیرزن عشایر در خیل عظیم تشییع کنند گان موازی با نگاه کردن او به این تصاویر احساسی پلان های پایانی مستند ما خواهد بود.